گزارش خواندنی از اجلاس داووس ۲۰۲۵؛

دنیا به کدام سمت می‌رود؟

پنجاه و پنجمین اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در شهر کوچک داوُس (Davos) طی ۲۰ تا ۲۴ ژانویه (اول تا پنجم بهمن ماه ۱۴۰۳) تشکیل شد. حدود ۳۰۰۰ نفر از ۱۳۰ کشور در این اجلاس شرکت کردند و ۱۶۰۰ شرکت (۴۵ درصد از آمریکا) در آن حضور داشتند. ۳۵۰ مقام دولتی شامل ۶۰ رئیس دولت نیز مشارکت کردند. ۱۷۰ نماینده از گروه‌های جامعه مدنی از هر پنج قاره نیز فرصت اثرگذاری بر موضوعات و مباحث را داشتند. حدود ۲۵۰ استاد دانشگاه یا محقق یا نویسنده به دعوت داوُس، آخرین دستاوردهای علمی و دیدگاه‌های خود را در حدود ۳۰۰ جلسه طی پنج روز مطرح کردند.

دکتر محمود سریع‌القلم
پژوهشگر حوزه توسعه، علوم سیاسی و تاریخ معاصر ایران

گروه اقتصادی – دونالد ترامپ در روز چهارم کنفرانس به صورت آنلاین حدود ۲۰ دقیقه سخنرانی کرد و سی دقیقه به پرسش‌های پنج رئیس هیأت مدیره بانک یا شرکت مالی و نفتی پاسخ داد.

رئیس مجمع جهانی اقتصاد از او در انتهای این برنامه دعوت کرد تا سال آینده به صورت حضوری در داوُس شرکت کند. داوُس امسال پنج محور را در بر می گرفت: ۱) محافظت از کره زمین (۲۷ جلسه)؛ ۲) بنای مجدد اعتماد میان ملت‌ها و دولت‌ها (۲۸ جلسه)؛ ۳) صنعت در عصر هوش مصنوعی (۳۵ جلسه)؛ ۴) سرمایه گذاری بر روی انسان‌ها (۴۴ جلسه) و ۵) افق‌های نوین در رشد و توسعه (۵۱ جلسه).

در زیر، گزارشی از داوُس ۲۰۲۵ ارائه می‌گردد:

ریاست جمهوری دونالد ترامپ

ترامپ و دولت او به علت هم زمانی سوگند او و شروع داوُس ۲۰۲۵، در اجلاس حضور نداشتند، اما به ندرت در جلسه‌ای از پی آمدهای محتمل ریاست جمهوری او صحبتی به میان نیامد. یک نکتهٔ کانونی که بسیاری مطرح کردند این بود که او Maximalist (حداکثرگرا) است. بالاترین خواسته خود را مطرح می کند و سپس در فرآیند مذاکره به سوی تفاهم حرکت می کند.

از این منظر، او یک دیپلمات و سیاستمدار عادی نیست که سخنانش براساس واقعیت باشد. به عنوان مثال، ولیعهد عربستان، پیروزیِ ترامپ را به او تبریک گفت و مجدداً خواست که اولین سفر خارجی خود را به عربستان انجام دهد. سپس برای جلب توجه دولت ترامپ، عربستان هم چنین اعلام کرد که طی چهار سال آینده ۶۰۰ میلیارد دلار در آمریکا سرمایه گذاری خواهد کرد. سپس ترامپ در سخنرانی خود برای مخاطبان داوُس اظهار امیدواری کرد که عربستان سطح سرمایه گذاری خود را به یک تریلیون دلار ارتقاء بخشد.

ترامپ همچنین اعلام کرد برای شرکت‌هایی که کالای خود را در آمریکا تولید کنند نرخ مالیات را به ۱۵ درصد تقلیل خواهد داد. ترامپ به موجب احکامی که طی هفتهٔ اول ریاست جمهوری خود صادر کرد، فراز و نشیب های فراوانی را در نحوهٔ عملکرد دولت آمریکا ایجاد کرده است، از توقف استخدام در دولت گرفته تا جلوگیری از ورود مهاجران جدید. ارتش آمریکا در مرز مکزیک مستقر شده است و مانع ورود مهاجران از آمریکای مرکزی خواهد شد.

اکثر شرکای تجاری آمریکا بیش از آنچه که از امریکا وارد کنند به این کشور می فروشند. این شامل شرکای مهم مانند چین، مکزیک، ژاپن و کره جنوبی می‌شود. ترامپ همه این کشورها را با افزایش گمرک تهدید کرده است. عموم اقتصاددانان در داوُس معتقد بودند که معلوم نیست در عمل چه اتفاقاتی بیافتد چون افزایش نرخ گمرکی نه تنها در آمریکا به افزایش نرخ تورم می‌انجامد بلکه در هزینه های زنجیرهٔ کالا در سطح جهانی نیز پی‌آمدهای تورمی دارد.

به نظر می‌رسد دولت ترامپ اعتقاد عمیقی به کارکرد سازمان های بین المللی و قواعد نسبتاً تثبیت شدهٔ اقتصادی از طریق سازمان تجارت جهانی ندارد و بر خلاف دولت بایدن که به چند جانبه گرایی اقتصادی و برون سپاری امنیتی معتقد بود، دولت ترامپ در پی توافقات و تعاملات دوجانبه با کشورها باشد تا از این طریق منافع ملی آمریکا را تأمین کند.

بسیاری معتقد بودند که اختلالات ناشی از دولت جدید آمریکا، عموماً موقتی خواهند بود و ممکن است بدنهٔ دستگاه اجرایی و طبقه بوروکرات‌ها، واکنش های منفی اما نامحسوس نسبت به این تحولات و سیاست‌های جدید نشان دهند. از این رو، سیاست‌های این دولت را باید مورد به مورد بررسی کرد. ترامپ در روابط بین‌المللی، نزدیک‌ترین روابط را با رؤسای جمهور آرژانتین و چین، نخست وزیر هند و ولیعهد عربستان خواهد داشت.

همینطور پیش‌بینی می‌شود که عموم کشورهای عربی در خلیج فارس و مصر، اردن، عراق و اسرائیل از روابط نزدیکی با دولت ترامپ برخوردار باشند. روابط با ترکیه تابع میزان تطابق منافع آن‌ها در ناتو، سوریه و همچنین دیدگاه‌های ترکیه به اسرائیل خواهد بود.

انتظار می‌رود که دولت ترامپ به صورت Package مسائل خود را با روسیه شامل اوکراین، ناتو، سلاح‌های هسته‌ای، صادرات انرژی و ایران، حل کند و صرفاً بر جنگ اوکراین متمرکز نشود. به میزانی که اروپا و آمریکا حاضر باشند ۲۲۰۰۰ تحریم فرد و سازمان روسیه را تخفیف دهند، مسکو نیز در موارد package معامله خواهد کرد.

پیش بینی می‌شود اعراب خلیج فارس در دوره ترامپ از بهترین شرایط مالی، اقتصادی و فنآوری برخوردار شوند. چندین شرکت اماراتی قصد دارند حدود ۲۰ میلیارد دلار در ساختن Data Center برای پردازش و ساخت مدل‌های بنیادی هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کنند. چنین سرمایه‌گذاری، وابستگی متقابل این منطقه با آمریکا را به مراتب عمیق تر خواهد کرد.

ابوظبی و مایکروسافت همکاریشان به ارزش یک میلیارد دلار برای ساخت یک Data Center در این شهر را آغاز کرده‌اند. شرکت هواپیمایی قطر با ایلان ماسک مذاکره کرده تا از طریق Starlink تمامی پروازهای خود را پوشش اینترنتی دهد. فرودگاه دوحه در سال حدود ۵۲ میلیون مسافر دارد که از سال ۲۰۲۲ تا کنون ۵۰ درصد افزایش یافته است.

از ۵۲ میلیون مسافر، ۴۰ میلیون نفر از فرودگاه دوحه به اروپا، آفریقا، آسیا و استرالیا عبور می‌کنند. شرکت PureHealth اماراتی که بزرگترین تأمین کننده درمان در جزیره‌العرب است، ۱۸ شعبه در اوکلاهما و نیومکزیکو آمریکا تاسیس کرده است. آمریکا، اوپک عربی (عراق، مصر، لیبی، سوریه و کشورهای حوزه خلیج فارس) را تشویق کرده که علاوه بر نفت و گاز به سوی سرمایه‌گذاری در انرژی پاک حرکت کنند و انبوهی از شرکت‌های آمریکایی در این چارچوب آغاز به همکاری کرده‌اند.

مهم ترین چالش بین‌المللی ترامپ با چین خواهد بود. هرچند روابط دو رهبر دوستانه است ولی موضوعات فی‌مابین برای حل و فصل قابل تأمل هستند. ۸۰ درصد پردازش فلزات جهان را چین انجام می‌دهد. تولید انرژی پاک چین هفت برابر آمریکا است. ۹۰ درصد باتری خودروهای برقی در جهان را چینی‌ها می‌سازند و ترامپ در روز اول ریاست جمهوری، سیاست دولت بایدن در گسترش خودروهای برقی را تغییر داد. ۹۵ درصد Wafer های انرژی خورشیدی را چینی‌ها می‌سازند. چینی‌ها طی سه سال گذشته، ۴۰۰ جنگنده ساخته‌اند و برای هزارموشک بالیستیک هسته‌ای جدید، سیلو تولید کرده‌اند.

چینی‌ها شش برابر آمریکایی‌ها در انبارهای خود تسلیحات جمع کرده‌اند و تعداد موشک‌های بین قاره‌ای بالیستیک خود را دو برابر کرده‌اند. به موجب این تحولات، بودجهٔ نظامی آمریکا در سال آینده به ۹۲۶ میلیارد دلار افزایش یافته است. کانون استراتژی آمریکا نسبت به چین، که از اجماع دوحزبی برخوردار است (دموکرات و جمهوری‌خواه)، کاهش نرخ رشد اقتصادی و ثروت چین است که از این طریق سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و نظامی آن را کاهش دهد. دولت بایدن این روند را آغاز کرد و تا اندازه‌ای موفق شد تا نرخ رشد را کاهش دهد به گونه‌ای که در سال ۲۰۲۴، ۱۶۰۰۰ میلیونر چینی و غیر چینی، آن کشور را ترک کردند و بین ماه ژوئن ۲۰۲۳ تا ژوئن ۲۰۲۴، ۲۵۴ میلیارد دلار سرمایه از چین خارج شد. در عین حال، وابستگی کشورها به چین انکارناپذیر است. در حال حاضر، چین این ارقام را در کشورهای مختلف سرمایه‌گذاری کرده است: آمریکا (۲۰۰ میلیارد دلار)؛ برزیل (۷۳ میلیارد دلار)؛ استرالیا (۱۰۶ میلیارد دلار)؛ سنگاپور (۴۵ میلیارد دلار)؛ اندونزی (۴۷ میلیارد دلار) و اتحادیه اروپا (حدود ۳۰۰ میلیارد دلار).

سرمایه‌گذاری آمریکا در چین به رتبهٔ دهم تنزل پیدا کرده است. جنگ تجاری ضمن همکاری میان دو کشور در حدی است که اخیراً، دولت بیجینگ ۳۸ شرکت تولید تسلیحات آمریکا را تحریم کرده به صورتی که نمی‌توانند بسیاری از مواد اولیه و تراشه را وارد کنند. در عین حال، در صورتی که چینی‌ها کسری تجاری خود را با آمریکا، از طریق واردات بیشتر کاهش دهند و سرمایه‌گذاری خود را افزایش دهند ممکن است در بعضی از فنآوری‌های غیرحساس بتوانند همکاری کنند. حضور و بهره‌برداری از بازار کالا، خدمات، علم و فنآوری آمریکا به قدری برای چینی‌ها مهم است که امکان تفاهم آن‌ها با دولت ترامپ که اهل تعاملات موردی و موفقیت‌های کوتاه الی میان مدت است را افزایش می دهد. اهرم‌های چین و آمریکا را در نهایت باید بخش به بخش (Sector by Sector) مورد بررسی قرار داد.

به عنوان نمونه، دولت ترامپ در پی تشویق سرمایه‌گذاری در تولید کشتی‌های باری تجاری است زیرا که ۷۰ درصد تولید این نوع کشتی‌ها در چین است و اگر آمریکا این نوع فعالیت تولیدی را شروع کند هفت سال زمان خواهد برد تا اولین کشتی آماده شود. طی ۵ سال گذشته، چینی‌ها بخشی از فعالیت تولیدی خود را در کشورهای دیگر مانند مکزیک، برزیل، کشورهای آسه آن (ASEAN) منتقل کرده‌اند تا از مخاطرات گمرکی و تحریمی آمریکا در امان باشند و هم زمان، زمینه‌های سرمایه‌گذاری و مصرف داخلی را افزایش داده‌اند تا نرخ رشد پنج درصدی خود را حفظ کنند.

هنر حکمرانی چینی‌ها در این است که به صورت دائمی در حال انطباق با شرایط و پیدا کردن آلترناتیو هستند و آنقدر انعطاف پذیرند تا به درصد قابل توجهی از افق‌های خود دست یابند. پراگماتیسم چینی که ریشه در مکتب کنفوسیوس دارد، به خوبی طبع بشر را درک می کند و از هر فرصتی برای تحقق اهداف خود استفاده می کند. این رهیافت باعث شده تا آمریکایی‌ها از مذاکره و کسب و اعطای امتیاز ناامید نشوند.

چینی‌ها در حدی مسائل را شبکه‌ای و به هم مرتبط می‌بینند که باب مذاکره پیرامون حل و فصل موضوع اوکراین را در تعاملات دوجانبه با آمریکا باز گذاشته‌اند. ازمجموعه جلسات و اظهار نظرها و همینطور مطالعات موسسات تحقیقاتی برمی‌آید که آمریکا در عموم زمینه های فنآوری، بازار مالی، اقتصادی، علمی و دانشگاهی برای نیم قرن آینده قدرتِ مسلط جهانی خواهد بود و چین با فاصلهٔ هم کمی و هم کیفی، قدرت دوم باقی خواهد ماند.

معلوم نیست سیاست‌های دولت ترامپ تا چه میزانی به توانمندی یا تضعیف قدرتِ اقتصادی و نظامی چین مساعدت بخشد. محتوای توافق یا تفاهم چین و آمریکا طی یک سال آینده بر روندهای دوجانبه آن‌ها و اقتصاد بین‌الملل اثرات بنیادی به جای خواهد گذاشت. در نظم جهانی عصر ترامپ، روسیه با فاصلهٔ قابل توجه، صرفاً یک قدرت نظامی و انرژی باقی خواهد ماند بدون آنکه توان مندی اثرگذاری جهانی داشته باشد. دولت ترامپ تلاش خواهد کرد از ورود فنآوری‌های پیشرفته به روسیه جلوگیری به عمل آورد تا بین آمریکا و روسیه فاصله استراتژیک را حفظ کند.

از طرفی دیگر، دولت ترامپ سعی خواهد نمود تا سطح تبادلات روسیه و چین که از ۳۵ میلیارد دلار قبل از جنگ اوکراین به ۲۸۵ میلیارد دلار فعلی را به شدت کاهش دهد. دولت ترامپ در پی راهبرد Primacy (آمریکا اول) این اصل را هم دنبال خواهد کرد که همکاری با چین را منوط به کاهش همکاری چین و روسیه نماید، هرچند چینی‌ها در روز اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ بر تعمیق روابط خود با روسیه برای افزایش اهرم‌ها در مذاکرات آتی با آمریکا را اعلام کردند (Hedging). چینی ها ازهرفرصت برای کار و حضور در آمریکا استفاده خواهند کرد کما اینکه در مقابل ۸۰۰ دانشجوی آمریکایی در چین، ۳۶۰ هزار دانشجوی چینی در آمریکا درس می‌خوانند.

جایگاه اروپا در اقتصاد و سیاست بین‌الملل

در تعداد قابل توجهی از جلسات داوُس، مشکلات جدی اروپا در قالب نظم اقتصاد بین‌الملل مطرح شد. این فضا تحت تاثیر گزارشی بود که به سفارش اتحادیه اروپا Mario Draghi، رئیس اسبق بانک مرکزی اروپا و نخست وزیر اسبق ایتالیا تحت عنوان EU Competitiveness Report: Looking Ahead در سال ۲۰۲۴ منتشر کرد. خلاصه این گزارش بسیار خواندنی این بود که اتحادیهٔ اروپا برای آنکه فاصله خود را با آمریکا و چین در فنآوری، صنعت و انرژی پُر کند، تا سال ۲۰۳۰ به ۷۷۱ میلیارد یورو سرمایه گذاری نیاز دارد. در اکثر جلسات، آمریکایی‌ها نسبت به آینده اتحادیه اروپا که بتواند توان رقابتی خود را حفظ کند بدبین بودند ولی اروپایی‌ها و از همه مهم‌تر خانم Christine Lagarde، رئیس سابق صندوق بین‌المللی پول از ظرفیت‌های اروپایی دفاع می‌کرد.

یکی از نکاتی که در رابطه با ضعف‌های اروپایی گفته می‌شود، گستردگی مقررات است (Regulation). خانم Lagarde بیان داشت که مقررات مشکل نیستند بلکه آن‌ها باید کوتاه تر و ساده تر نوشته شوند (Simplification). وزیر اسبق خزانه داری آمریکا Larry Summers مطرح کرد که قوانین باید باشند اما موضع اصلی این است که قوانین باید مثبت و به نفع سرمایه‌گذاری و رشد و کارآمدی باشند.

Summers به درستی مطرح کرد که نهاد دولت چه در اروپا و چه در آمریکا بیشتر به ورودی‌های قانون و سیاست‌گذاری (Inputs) فکر می‌کند و نه خروجی‌ها (Outputs). انجام دادن و به سرانجام رساندن (Execution) مسئله اصلی حکمرانی در جهان فعلی است. سرعت و پاسخ گرفتن اهمیت دارند. بوروکراسی اروپایی شرکت‌ها را مجبور می‌کند بین ۲۰۷ تا ۲۷۷ گزارش در سال به دولت ارائه دهند. رئیس شرکت Merck اظهار داشت که فقط ۵۰ نفر در این شرکت این گزارش‌ها را تهیه و تنظیم می‌کنند. نمایندهٔ سابقِ آمریکا در اتحادیهٔ اروپا اظهار داشت که دو تفاوت اساسی میان آمریکا و اروپا وجود دارد:

۱) در آمریکا اشتباه کردن مقبول است و فرصتی است برای یادگیری ولی در اروپا اشتباه کردن، شخص یا شرکت را منفور می‌کند و به حاشیه می‌راند و باعث می‌شود که ریسک کردن را سخت‌تر کند. در آمریکا، افراد حاضرند ریسک کنند و بعد با مشورت و دقت بیشتر، اشتباهات خود را اصلاح کنند. رئیس فعلی صندوق بین‌المللی پول که اهل بلغارستان است هم این نکته را تایید می‌کرد. ایشان گفت وقتی من یک کار خوب انجام می‌دادم، پدر و مادرم می‌گفتند بد نیست ولی در آمریکا یک کار کوچک و مثبت من را همه جا تشویق می‌کردند.

۲) در آمریکا ۸۰ درصد سرمایه از بخش خصوصی برای توسعه و Startup ها نشأت می‌گیرد و ۲۰ درصد از بانک‌ها. اروپایی‌ها بیشتر علاقه دارند پس‌انداز کنند و کمتر ریسک کنند. وقتی در دولت بایدن، آمریکا لایحه IRA (Inflation Reduction Act) را تصویب کرد و فرصت سرمایه‌گذاری و تخفیف مالیاتی در آن دیده شده بود، سرمایه قابل توجهی از اروپا به آمریکا رفت.

در این ارتباط، رئیس صندوق بین‌المللی پول در گزارش ۲۰۲۵-۲۰۲۶ سازمان خود اشاره کرد که آمریکا بهترین موقعیت اقتصادی را در سال‌های پیش رو خواهد داشت که ریشه در سرازیر شدن سرمایه جهانی به آن کشور را دارد که به سرعت راه خود را در فنآوری، بهره‌وری، تولید و سود پیدا می‌کند. با توجه به اینکه دولت جدید آمریکا، مقررات زدایی (Deregulation) بیشتری را اعمال خواهد کرد، پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول این است که آمریکا با رشد ۳٫۳ درصدی از موقعیت بهتری نسبت به اروپا برخوردار خواهد بود.

اروپایی‌ها مدت‌ها به حالت رضایت از خود عادت کرده بودند که حالا این شرایط تغییر کرده است: امنیت از آمریکا، بازارها از چین و انرژی ارزان و امن از روسیه. خانم Lagarde امیدوار بود که با ایجاد بازار سرمایه متمرکز در اروپا (Capital Markets Union)، زمینه سرمایه گذاری و ریسک بالاتر برای اروپایی‌ها فراهم شود. اروپایی‌ها امیدوار بودند که سرمایه و استعداد فناوری را در داخل اروپا حفظ کنند زیرا که Startup ها در اروپا شروع می‌شوند ولی با اندکی رشد خود را به آمریکا منتقل می‌کنند.

اروپایی‌ها در تولید کالا نسبت به آمریکا مزیت و برتری تجاری دارند (حدود ۱۵۶ میلیارد دلار) ولی شاید از آن مهم‌تر و استراتژیک‌تر در بخش خدمات که به فنآوری سطح بالا مربوط می‌شود، کسری تجاری دارند (حدود ۱۱۲ میلیارد دلار). اروپایی‌ها به طور فزاینده‌ای در Quantum Computing/ Cloud Computing و خدمات اینترنتی به آمریکایی‌ها وابسته‌اند. جالب توجه اینکه در میان ده شرکت اول Fortune ۵۰۰ اروپایی، حتی یک شرکت فنآوری دیده نمی‌شود و عموماً در صنایع خودرو و انرژی هستند و این در مقایسه با آمریکا که از ۱۰ شرکت اول Fortune ۵۰۰ آمریکا، ۴ شرکت High tech هستند.

با فضای باز جدید کسب و کار در آمریکا و بازگشت تدریجی اقتصادی چین به رشد بالای ۵ درصد و سرمایه‌گذاری وسیع چینی‌ها با حدود یک تریلیون دلار و ۱۰۰۰ پروژه در کشورهای جنوب، اروپایی‌ها نسبت به آینده خود بسیار نگرانند.

جنگ در اوکراین نیز اروپایی‌ها را نگران کرده زیرا بدون آمریکا که حدود ۱۱۰ میلیارد دلار به تنهایی (در مقابل ۱۳۵ میلیارد دلار ۲۷ کشور اتحادیه اروپا) برای کمک به اوکراین هزینه کرده است، نمی‌توانند از حاکمیت ملی در اوکراین دفاع کرده و در مقابل روسیه بایستند. در ان رابطه شاید بهترین سخنرانی داوُس ۲۰۲۵ را خانم Ursula Von der Leyen، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا که برای بار دوم تا ۲۰۳۰ انتخاب شده است را ارائه نمود.

متن این سخنرانی حتی در حروف اضافه آن به قدری دقیق نوشته شده بود که تمجید حاضران را برانگیخت. این خانم سیاست مداربرجسته که زمانی وزیر دفاع خانم مرکل، صدراعظم تاریخ‌ساز آلمان بود، در بیان اندیشه، تسلسل کلمات، جمله بندی و صراحت نظری مهارت‌های کم‌نظیری دارد که رهبری او در مقام رئیس کمیسیون در سال‌های آتی اروپا تعیین کننده خواهد بود.

او در سخنرانی خود به اهمیت تداوم همکاری اروپا و آمریکا تأکید کرد به طوری که ۵۰ درصد LNG اروپا را آمریکا تأمین می‌کند و تجارت طرفین بالغ بر ۱٫۵ تریلیون دلار است که حدود ۳۰ درصد تجارت جهانی است. شرکت های اروپایی حدود ۳٫۵ میلیون نفر آمریکایی را در آمریکا به استخدام خود در آورده‌اند. حدود یک میلیون شغل در آمریکا به تجارت طرفین مربوط می‌شود و دوسوم سرمایه آمریکا در بیرون از مرزهای خودش در اروپا است.

ایشان در رابطه با دولت ترامپ جمله‌بندی‌های دقیقی را مطرح کرد: روش تعامل قدرت‌های بزرگ در جهان امروز در حال تغییر است. این یک واقعیت است و ما آماده‌ایم خود را با واقعیت تطبیق دهیم. ارزش‌های ما تغییر نمی‌یابند ولی دفاع از این ارزش‌ها در جهان متغیر امروز، به روش‌های جدیدی نیاز دارد. هر جا که فرصتی باشد ما از آن استقبال خواهیم کرد. اکنون زمان تغییر است و اروپا آماده تغییر است.

در رابطه با اوکراین، همانند ترامپ، ایشان دست بالا را گرفت و گفت: حاکمیت ملی اوکراین باید حفظ شود. این جمله به راه‌حل‌هایی مربوط می‌شود که از قرار، آمریکایی‌ها در پی آن هستند که خط موجود جنگ میان روسیه و اوکراین، خط آتش‌بس اعلام شود که در این صورت ۲۳ درصد خاک اوکراین به تسلط روسیه در می‌آید ولی در مقابل امنیت ملی اوکراین توسط غرب و ناتو تضمین می‌شود. اوکراین برای آنکه به شرایط قبل از جنگ برسد به نزدیک ۱٫۳ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد و رئیس دفتر رئیس‌جمهور اوکراین در جلسه‌ای دیگر اظهار داشت که آینده این جنگ به تضمین‌های امنیتی غرب مربوط خواهد بود که روسیه هم با آن‌ها مخالفتی نکند. مدل آتش‌بس کره جنوبی و کره شمالی و همینطور حمایت ناتو از آلمان غربی از جمله فرمول‌هایی هستند که مورد بحث طرفین روسی و آمریکایی قرار گرفته است. اروپایی‌ها نگرانند که در توافق نهایی نقش اندکی ایفا کنند ضمن اینکه تحرکاتی در اروپا وجود دارد که اتحادیه به فکر تأمین امنیت خود در برابر روس‌ها باشد. رئیس دفتر رئیس‌جمهور اوکراین با صراحت اظهار داشت که اگر به واسطهٔ تفاهم نامه ۱۹۹۴ بوداپست، اوکراین سلاح هسته‌ای خود را نگه داشته بود، روسیه هیچگاه به این کشور حمله نمی‌کرد.

از جمله مسائلی که در رابطه با اروپا مطرح شد، نقش این اتحادیه در بروز جنگ احتمالی میان آمریکا و چین بود. بعضی‌ها (Graham Allison) معتقد بودند که احتمال جنگ بین دو طرف ۷۵ درصد است و ۲۵ درصد به ذکاوت رهبران مربوط می‌شود. ولی اروپایی‌ها و آن‌هایی که اقتصادی فکر می‌کنند در حدی وابستگی متقابل بین آمریکا و چین را عمیق می‌بینند که احتمال چنین تقابلی را نازل می‌دانند. اما اگر جنگی صورت پذیرد، اروپا به واسطه ناتو به طور طبیعی در کنار آمریکا قرار خواهد گرفت.

یکی از مشاهدات این نویسنده طی دو دهه گذشته در جلسات داوُس این بوده که کسانی که در سیاست و امنیت بین‌الملل اظهار نظر می‌کنند ولی در مجموع اقتصاد نمی‌دانند، در محاسبات و پیش‌بینی‌ها بیشتر اشتباه می‌کنند. ذات اقتصاد در سود است و سود تفاهم می‌آورد. وقتی کشورها به لحاظ اقتصادی به هم قفل می‌شوند راحت‌تر تفاهم می‌کنند. آدمی در سود بیشتر کوتاه می‌آید تا در قدرت، امنیت و مقام. تفاوت میان روسیه و چین در روابط بین‌الملل هم در این نکته است. اگر روس‌ها یک قطب فنآوری و تجارت در جهان بودند و اقتصاد آن‌ها و دیگران به یکدیگر قفل شده بود، هیچگاه به جنگ روی نمی‌آوردند و سعی می‌کردند در حوزه امنیت با همسایگان خود به تفاهم برسند.

قفل شدن باعث می‌شود که طرف مقابل هرکاری نتواند انجام دهد. آمریکایی‌ها از طریق جنگ اوکراین به یک هدف استراتژیک خود دست یافتند: قطع ارتباطات فنآوری آمریکا و اروپا با روسیه. ۳۵۰۰ شرکت غربی، روسیه را ترک کردند. در جهان امروز، مبنای قدرت در توان تولید و یا مشارکت در تولید فنآوری است. روس‌ها برای مدیریت اقتصاد کلان خود به معادن و فلزات خود روی آورده‌اند تا بتوانند بیشتر اسلحه تولید کنند و از این طریق در خلوت اقتصادی داخلی خود، اشتغال، درآمد و گردش کار ایجاد کنند. اروپا یک قطب اقتصاد جهان باقی خواهد ماند ولی در تولید و توان به کارگیری فنآوری و بنابراین تبدیل فنآوری به قدرت سیاسی، لنگان لنگان پشت سر آمریکا و چین حرکت خواهد کرد.

جمع‌بندی: بعضی فرازهای داوُس ۲۰۲۵

از برجسته ترین وقایع داوُس ۲۰۲۵، میزگرد دو نفره وزیر خارجه جدید سوریه با تونی بلر نخست‌وزیر اسبق بریتانیا بود. او برای طیفی از پرسش‌ها، پاسخ‌های بسیار سنجیده ارائه داد و تصویری منطقی، حقوق بشری و حقوقی از زمامداران جدید به نمایش گذاشت. به نظر می‌رسد مشاوران واقع بینی او را در جمله بندی‌ها و واژه‌هایی که استفاده می‌کرد راهنمایی کرده بودند.

ارائه او همانند یک دیپلمات برجسته و امروزی جهانی بود. او تا آنجا پیش رفت که سنگاپور و عربستان را الگوهای جدید نظام سوریه معرفی نمود. سنگاپور از منظر بین‌المللی مقبولیت اقتصادی دارد و معتبرترین پاسپورت جهان را با حق ورود بدون ویزا به ۱۹۵ کشور را داراست و عربستان مرکز ثقل سیاست و نفت و اقتصاد دنیای عرب است. حال باید منتظر ماند تا چه میزانی این نمایش قدرتمند دیپلماسی به واقعیت خواهد پیوست. از برجستگی‌های دیگر داوُس ۲۰۲۵، ظرفیت و توانمندی وزرا، نویسندگان، اصحاب رسانه و دانشگاهیان هند، چین، عربستان و امارات بود. عربستان با چهار وزیر و طیفی از مدیران بخش خصوصی، حضوری چشم‌گیر داشت. هندی‌ها و اماراتی‌ها جز علم، صنعت، خصوصی‌سازی، هوش مصنوعی، انرژی پاک، تعامل با جهان و یادگیری از شرکت‌های کلیدی فنآوری، سخنی به میان نیاوردند.

تسلط آن‌ها به اقتصاد جهانی، مناظره‌های راهروهای قدرت و واقع بینی نسبت به آنچه که قابل تحقق است ستودنی بود. این کشورها عموماً رقابت را در صحنه بین‌المللی قبول کرده‌اند و می‌خواهند با مهارت، رقابت و آموزش، سهمی در ثروت و بنابراین اثرگذاری سیاسی میان کشورها به دست آورند. به عنوان مثال، عربستان یک شرکت هواپیمایی جدید به نام Riyadh Air تأسیس کرده که ۱۳۲ هواپیمای مسافری از بوئینگ و ایرباس خریداری کرده و تا سال ۲۰۳۰ به صد مقصد پرواز خواهد کرد. انتظار می‌رود این شرکت هواپیمایی ۲۰ میلیارد دلار به GDP عربستان اضافه کند. رئیس هیأت مدیره این شرکت نوپا Tony Douglas است.

از نکات مهمی که تیم هندی مطرح کردند، افق قرار دادن طبقهٔ متوسط همه کشورها برای فروش کالا و خدمات هندی است. پیش‌بینی می‌شود طی ۱۰-۱۵ سال آینده ۵۰۰ میلیون نفر در آسیا در طبقه متوسط قرار گیرند. این در شرایطی است که افکارسنجی از حضار بخش خصوصی داوُس نشان می‌دهد که ۸۲ درصد معتقدند، بازارهای مالی جهان در سال‌های آتی بهبود خواهند یافت. در عین حال، ۷۱ درصد این گروه‌ها اظهار داشتند که تورم در جهان قابل مدیریت خواهد بود.

در داوُس ۲۰۲۵، روسیه نه حضور سیاسی داشت و نه اقتصادی و عموماً نسبت به پوتین که در ۲۵ امین سال زمامداری خود است، بی‌اعتمادی جمع قابل حس بود. نسبت به سال‌های گذشته، وزرا و نویسندگان از کشورهای آفریقایی، حضور بیشتری داشتند و به نحوی نشان می‌دادند که به دنبال بهبود و اصلاح امور کشورهای خود از طریق ایجاد شبکه‌های بین‌المللی هستند.

در داوُس ۲۰۲۵، ۶۶ درصد از سخنرانان مرد و ۳۳ درصد زن بودند. توانمندی فکری و مدیریتی زنان مدیر، زنان سیاست‌مدار، زنان نویسنده، زنان خبرنگار، زنان فعال مدنی و زنان کارآفرین از تمامی مناطق جهان، تحسین‌برانگیز بود. خوشبختانه سال به سال، حضور زنان در محافل جهانی افزایش می‌یابد و مهارت‌ها و ظرفیت های فکری و مدیریتی آنان بیشتر و بیشتر مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

در چند جلسه محدود که در رابطه با خاورمیانه و MENA (خاورمیانه و شمال آفریقا) وجود داشت، تا ۹۵ درصد مباحث پیرامون سرمایه‌گذاری، مشارکت علمی و پروژه‌های مشترک برای رشد و توسعه بود و به ندرت فردی نسبت به حل و فصل دائمی موضوع اسرائیل و فلسطین به صورت دو دولت امیدوار بود. تحسین و تقدیر از رشد مالزی، اندونزی و ویتنام نیز بارها در حین جلسات مطرح می‌شد.

یک فعلی که شاید هزاران بار توسط سخنرانان استفاده شد، فعل incentivize به معنای ایجاد مشوق برای بخش خصوصی و کلاً به آحاد جامعه بود که بتوانند از مهارت و توانایی خود بیشتر هم به نفع خود و هم به نفع جامعه استفاده کنند. عمر طولانی بعضی از شرکت‌ها نیز جلب توجه می‌کرد: Merck (۱۳۴ سال)، L'Oreal (۱۱۶ سال) و Siemens (۱۷۸ سال). یکی از شرکت‌هایی که چندبار در جلسات به آن اشاره شد، شرکت دارویی Hikma بود که اصالتاً اردنی است ولی مقر آن در انگلستان است و با همکاری‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی توانسته به فروش سه میلیارد دلاری و سود ۲۰۰ میلیون دلاری دست یابد.

این نمونه ای از اهمیت کار بین‌المللی در کارآفرینی است. عموم مباحث اقتصادی در انتها بدانجا ختم می‌شد که ماهیت حکمرانان، نگاه زمامداران و جایگاه طبقاتی آن‌ها سرنوشت رشد و توسعه یک کشور را تعیین می‌کند. رئیس سازمان تجارت جهانی چندین بار اشاره کرد که همگرایی منطقه‌ای و قفل شدن اقتصادی کشورهای همسایه به یکدیگر، کارآمدترین روش در ایجاد امنیت، یادگیری اقتصادی و کارآمدی میان کشورهاست. ایشان بارها به موفقیت‌های ASEAN که ۱۰ کشور آسیایی را به هم قفل کرده است اشاره نمود. مثالی دیگر، تصمیم رهبران اسلوونی است که حکمرانی آن صد درصد دیجیتالی شده و افراد در سه دقیقه فرم‌های مالیاتی خود را تکمیل می‌کنند و در ۲۰ دقیقه، یک Business را ثبت می‌نمایند. حملات سایبری به Data Base شرکت‌ها نیز بسیار مورد بحث قرار گرفت و افزایش بیمه سایبری برای عموم شرکت‌ها، موضوعی مهم در فرایندهای مدیریتی جدید قلمداد شد.

مسئولیت شرکت‌های بزرگ Tech در این چارچوب از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا که به عنوان مثال دو سوم بازار جستجوی جهانی از منبع Chrome است. چندین بار از برداشتن Fact Check های Meta در اواخر سال ۲۰۲۴ انتقاد شد که معاون این شرکت علاوه بر هزینه این خدمات از ناکارآمدی آن در Scale جهانی در میان چهار میلیارد کاربر اشاره کرد. جالب توجه این است که ۴۰ درصد مردم آمریکا، اخبار خود را از افراد Influencer متمایل به راست می‌گیرند و بین ۶۴ تا ۷۲ درصد دانشگاهیان آمریکا در علوم انسانی عضویت یا تمایل به حزب دموکرات دارند.

جایزه بزرگ!!!
هانی تحریر
شعبه۱: نوبنیاد۳، مرکز خرید آرین، طبقه اول
شعبه۲: صدف، مرکز خرید بساک، طبقه همکف
۰۹۰۲۲۹۹۲۰۹۹
۰۷۶ ۴۴۴۵۴۹۶۳
Hany_tahrir
هانی تحریر